

یحیی دهقان پور عکاس و معلم، از پیشکسوتان عکاسی ایران است که همچنان به کار خود ادامه می دهد. او کارشناسی ادبیات را در دانشگاه تهران گذارند، و در بریتانیا و امریکا به تحصیل عکاسی پرداخت. نقش به سزای او در شکل گیری عکاسی معاصر ایران از آن جهت است که بخشی از جریان عکاسی خلاقه چند دهه ی اخیر تحت حمایت، هدایت و انگیزه دهی او پیش رفته است. یحیی دهقان پور و احمدعالی از نخستین کسانی بودند که به عکاسی به چشم هنری نوین و تاثیر گذار نگریستند. (۱) او مسيردرازی را پيموده. از زمانی که عکاسی تازه کار و جوان بود که مراسم خاکسپاری فروغ فرخزاد و هیاهوی پیرامون آن را ثبت می کرد؛ تا اکنون که آخرین نمایشگاهش با نام "سیب سوم" در گالری آران برگزار می شود.

هنگامی که به طور کلی به آثارش بنگریم، با چندین رویکرد در عکس هایش مواجه می شویم. به گفته ی مهران مهاجر تقریباً در تمامی آثار وی روحیه ای طنزآمیز و بومی گرایانه وجود داشته اند. (۲) علاوه بر آن بخشی از تصاویر او متشکل است از عکس هایی مستند نگارانه که به ثبت حوادث و بازنمایی فرهنگ مردم پرداخته که مصداق آن تصاویر مراسم خاکسپاری فروغ و کتاب پنج نگاه به خاک (۳) می باشد. و بخشی دیگر شامل تجربیاتی خلاقانه و هنری، مثل مجموعه "تخلیه چاه" یا فتوکلاژهای او می شوند. تجربیاتی که در مجموعه ی اخیرش ردپایی از آن ها دیده می شود. و "سیب سوم":

نمایشگاه "سیب سوم" تصاویری است که با دوربین تلفن همراه و به واسطه ی قابلیت پانورامای آن از اماکن مختلفی در ایران، امریکا و دیگر کشورهایی که دهقان پور در آنجا اقامت داشته، گرفته شده اند. سابقه ی استفاده از پانوراما توسط وی به پیش از این ها بر می گردد. در مجموعه "تنه درخت ها" که در سال ۸۱ همراه با چند مجموعه دیگر در گالری راه ابریشم به نمایش درآمدند، شاهد استفاده از این تکنیک بودیم. تصاویر یک عکس پانورامای معمولی که صرفاً نقشی توصیفی داشته باشند، نیستند، بلکه وی این تکنیک را در راستای بیانی متفاوت به عاریت گرفته است. این تصاویر سست و لغزان جهان معاصر را هدف گرفته است و به چالش می کشد. با نگاهی پست مدرنیستی، مدرنیته و مظاهر آن را در هم می شکند و در همان پریشانی می ماند.

سیب سوم نماد جهان مدرن است، عنوان از شرکت آپل (۴)، که از غول های تکنولوژی و اقتصادی قرن اخیر می باشد، گرفته شده. دهقان پور همه چیز را به تیغ نقد می کشد، از کلیسا و تندیس مریم مقدس، تا ساختمان سازمان ملل و مجسمه ی آزادی، هواپیمایی که ازهم پاشیده، شکست بلند پروازی های مدرنیسم ها را می نماید، ترامپ و رسانه ی در خدمت قدرت و آرمان های دروغین آن و دودی که تمام تصویر را پر کرده، یادآور این گزاره ی معروف است: «هرآنچه سخت و استوار است دود می شود و به هوا می رود.»

او همین رویه را در عکس های ایران ادامه می دهد.

این نقد حتی راجع به بازنمایی های عکاسانه نیز صدق میکند، در تداوم رویکرد پست مدرنیستی عکس ها، زمانی که عکس راجع به عکاسی می شود؛ تصویر منظره ی از هم گسیخته ای که در عکاسی مدرن به صورت آرمانی و باشکوه به تصویر کشیده می شد، و یا طاق نصرت که بارها سوژه ی بازنمایی های دیگر عکاسان بوده، در حال فرو ریختن به تصویر درآمده.

عکس ها از جهت فرمی، یاد آور نقاشی و عکس های فتوریستی می باشند. بازهم در این جا رویکرد خود ارجاع تصاویر دیده می شوند. اما بعضی عکس ها، اسیر بازی فرمال خود شده و در نتیجه از بار مفهومی مجموعه کاسته می شود. از دیگر ضعف های مجموعه تعداد بیش از اندازه ی آثار است که در تشدید آن چه گفته شد موثر هستند.

مجموعه ی "سیب سوم" از این لحاظ الهام بخش است، که می توان دید یحیی دهقان پور چگونه به سادگی و با جسارت، با استفاده از ابزاری ساده، تفکر خودش را به عکس ها منتقل کرده، و از روزمرگی هایش تصویر متفاوتی را ارائه می دهد.

بیش از سی عکس پانوراما از مناظر شهری، عمدتاً به صورت عمودی، در سالن اصلی گالری آران خودنمایی می‌کند. یحیی دهقانپور، عکاس و استاد نام‌آشنای عکاسی ایران تمامی عکس‌های نمایشگاه "سیب سوم" را با استفاده از امکان عکاسی پانوراما در تلفن همراه و حرکت دست عکاسی کرده است. در نتیجه قسمت‌هایی از هر عکس تکرار، حذف و یا مخدوش شده است. در دو اتاق جانبی گالری، در حدود بیست عکس پانورامای دیگر با موضوعاتی همچون هواپیماها و فرودگاه، عابران و دوچرخه سواران در خیابان و حتی تصاویری از رئیس‌جمهور آمریکا بروی یک نمایشگر که دوباره توسط دهقانپور با همان تکنیک عکاسی شده‌اند، قرار دارد. به جز پنج عکس که بیش از یک متر طول دارند، باقی عکس‌ها با طول ۳۰ الی ۴۰ سانتی متر ارائه شده‌اند. نکته جالب توجه آنکه عکس‌های این نمایشگاه به جای آنکه ما بین شیشه و صفحه‌ی زیرین قاب عکس قرار بگیرند، به خود شیشه چسبانده شده‌اند، خبری از صفحه‌ی زیرین نیست و شیشه‌ها قاب گرفته شده‌اند. در نتیجه عکس‌ها به روی هر دیواری که قرار بگیرند، با رنگ همان دیوار پاسپارتو خواهند شد.

در نگاه اول، ارائه این تعداد عکس از یحیی دهقانپور، که تا کنون به تعداد انگشتان دست نمایشگاه یا کتاب منتشر نکرده عجیب می‌نماید. عکس‌ها جذاب‌اند. روبروی هر کدام می‌شود ایستاد و بازیگوشی عکاس‌اش را نظاره کرد، کنجکاو کرد، گم کرد و یافت و داستانی ساخت... یکی را کمتر و یکی را بیشتر. عکس‌ها عمدتاً از بناها و اماکن مشهور تهران و آمریکا ثبت شده‌اند، همان‌ها که بازدیدکنندگان هر روزه شان، مشتاقانه انبوهی عکس از آنها می‌گیرند. عکس‌هایی که گاهی هیچ وقت دیده نمی‌شوند. دهقانپور هم همچون یکی از همان بازدیدکنندگان است و از بعضی اماکن همچون بنای آزادی در تهران یا مجسمه آزادی در آمریکا چندین عکس ارائه کرده است؛ با این تفاوت که یحیی دهقانپور با بیش از نیم قرن تجربه‌ی عکاسی و تدریس آن، و شناخت کامل از جریان‌های روز عکاسی دست به آفرینش چنین آثاری زده است.

رد پای دهقانپور در همه اجزای "سیب سوم" به خوبی مشهود است. همچون پرتله‌های ساده و صمیمی "پنج نگاه به خاک" و یا ثبت حاضرائی که "آنروز او را در باغچه کاشتند"، نگاه بازیگوشانه و ترکیب بندی‌های خلاق دهقانپور بیش از آنکه در خدمت موضوع باشد، زبان و بیان هنرمند است. از مارسل دوشامپ، هنرمند تاثیرگذار هنر مدرن نقل شده است که او به دنبال خلق آثاری برای دیدن به قصد لذت بردن صرف نبوده است، بلکه در پی آن بوده تا دیدن آثار او باعث تفکر در بیننده شود. شاید دهقانپور هم این بار نه در مقام معلمی پاسخگو، که در مقام هنرمندی پرسشگر قرار گرفته‌است.

براستی سیب سوم کدام است؟ طعنه‌ای است به ابزار مدرن و شیوه استفاده ما از آن‌ها؟ آیا تلفن همراه ابزاری شده‌است برای درست ندیدن؟ یا برعکس پلی است میان ما و شهری که هر روز با آن غریبه‌تر می‌شویم؟ آیا خود عکاسی است که به چالش کشیده شده است؟ لطفاً شما بگویید که ثبت چیست، واقعیت کدام است و عکاس کیست؟

نوید افضل نیا

یحیی دهقان پور در سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. او دانش‌آموخته رشته ادبیات از دانشگاه تهران است. او پس از اتمام رشته ادبیات دانشگاه تهران برای تحصیل در رشته زبان‌شناسی به انگلستان رفت اما در آنجا سر از یک تکنیکال کالج در آورد و علاقه اصلی زندگی خود، عکاسی را پی گرفت. دهقانپور پس از آن به آمریکا رفت و در انستیتوی هنر سانفرانسیسکو آموزه‌هایش را پی گرفت و با عکاسان مشهور آن زمان، که تاثیری شگرف بر او گذاشتند، آشنا شد. وی پس از انقلاب به ایران بازگشت و معلم عکاسی سه نسل از عکاسان ایران شد.

حال از در نمایشگاه اخیرش در پی تجربه‌ای تازه با ساده‌ترین و همگانی‌ترین وسیله‌ی عکاسی رفته است. تلفن همراه. عکس‌ها او اکثراً در قطعی عمودی و تمام آن‌ها با قابلیت پانوراما تلفن همراه گرفته شده‌اند و غالباً شامل مناظر شهری‌اند. اما پانوراما‌های او صرفاً پانوراما‌های معمولی و زیبایی مناظر شهری و طبیعتی که به چشمان آشناست نیست. تزلزل واژه‌ای است که در بطن تک‌تک عکس‌های نمایشگاه رسوخ کرده است. در مقایسه با "آن روز او را در باغچه کاشتند" که شاید معروف‌ترین مجموعه او باشد شاهد تغییرات بسیاری هستیم. دیگر از آن نگاه و ترکیب بندی‌های کلاسیک او خبری نیست و بعد زمان به حاشیه می‌رود. او از بند ابزار رها می‌شود و گویی تنها دوربین را میرقصاند. رقصاندنی که موجب روی هم لغزیدن و سر خوردن عکسها به روی هم می‌شود و در مجموع عکسی را تولید میکند که از بازنمایی صرف بسیار فاصله می‌گیرد. آشفتنگی محصول نهایی، واقعیتی است که در جامعه معاصر با آن بسیار روبرویم و همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

استفاده از المان‌های آشنایی که هر کدام به نوعی نماد مدرنیزه شدن جامعه‌اند. سیاست‌مدارانی که نام هر کدام سرتیتر اخبار روزانه‌اند. هر کدام دست‌مایی‌ای شدند که دهقان پور با طنز گزنده و نیش‌دار خود با استفاده از آن‌ها در جهت واکاوی جامعه معاصر برآید و زشتی‌ها و بحران‌های آن را بیش از پیش نشان دهد.

دهقان پور این استاد بزرگ عکاسی ایران بار دیگر نشان داد که همواره میتواند از ابزارهای تازه محتوایی خلق کند که همگان را به وجد بیاورد و تحسین‌هارا برانگیزد.

عکس ها در گالری آران ارائه شدند. در گالری، ما ۵۶ عکس پانوراما رنگی که توسط دوربین موبایل گرفته شده میبینیم. ابعاد کار ها مختلف و تنوعشان زیاد است. تمام کارها با حرکت دست هنگام گرفتن عکس بود. در واقع با این کار، کادر های بسیار متنوع و عجیبی به وجود آمده بود. حرکت دست باعث شده بود عناصر درون کادر در جای درست خودشان قرار نگیرند و حالتی غیر طبیعی داشته باشند. هنرمند از این شیوه استفاده کرده تا نظم درون کادر را بهم بریزد.

در بعضی عکس ها، عناصر به دلیل جا به جا شدن یا چند تکه شدن، شبیه به یک فرم هندسی شده اند. البته این چند تکه شدن باعث نمیشود شکل کلی عنصر از بین برود به طوری که غیرقابل تشخیص باشد.

با دیدن بعضی از کارها حس لایه لایه بودن عناصر به من منتقل می شد. طوری که انگار هنرمند شی درون تصویر را برش داده تا لایه های زیرین مشخص شود. در واقع انگار در بعضی عکس ها می خواهد بگوید هر چیزی، همانی نیست که ما در ظاهر میبینیم.

جدا از این مورد، در تمامی کار ها یک سری تفاسیر مشترک وجود دارد. ترکیب بندی عکس ها ناپایدار هستند. حس زودگذر بودن و شکننده بودن را به راحتی به مخاطب القا می کنند. این شکننده بودن را برای ذهنیت انسان، سیاست و بزرگ ترین اتفاقات دنیا هم در نظر گرفته. در دید هنرمند، دنیا مکانی بسیار متزلزل و بی ثبات است که هر چیزی در آن به راحتی می تواند نابود یا دگرگون شود.

حتی از بسیاری از کارها این را متوجه می شویم که در دنیای معاصر خیلی از چیزهایی که بسیار با ارزش و مهم هستند، چیزهایی که به عنوان معیار شناخته شده اند هم به راحتی در حال تغییر هستند و مفاهیم با ارزش آنقدر در دنیای معاصر بی ثبات و ناپایدار هستند که می توانند به سرعت نابود شوند.

در کل ایده کارها بسیار قوی است و کارها جذابیت بسیاری دارد. بنده دیدن این گالری را به هنرجویان، عکاسان و علاقه مندان عکاسی پیشنهاد میکنم.

ستایش شاهی

یحی دهقانپور متولد ۱۳۱۹ تحصیل کرده رشته ادبیات دانشگاه تهران و او از کودکی به عکاسی علاقمند و اولین دوربین خود را با جمع کردن عیدی های خود تهیه کرد. بعد از اتمام دوره خود در دانشگاه تهران به انگلیس سفر کرد که زبان شناسی را ادامه بدهد اما تصمیم گرفت که در تکنیکال کالج عکاسی را دنبال کند. و بعد از انگلیس به سان فرانسیسکو آمریکا رفت و با هنر مدرن آن دوره آشنا شد این دوره ای که گذراند باعث شد که بعدا شاگردانی با دید معاصر و مدرن تربیت کند. دهقانپور پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و از محله قدیمی شاهپور و عودلاجان عکاسی مستند کرد . او معلم بسیاری از استادان بزرگ عکاسی و بسیاری از عکاسان بزرگ این ۲۰ سال اخیر بوده. حرفه تدریس او در دانشگاه های الزهرا سینما و تلویزیون دانشگاه تهران و دانشگاه هنر شکل گرفت. دهقانپور کلاس های در باب نقد عکس و درباره عکس و اسلاید های خود برگزاری کرده. او در تمام هنر ها مثل شعر بازیگری و سینما مستند فعالیت داشته.

نمایشگاه او در گالری آران با نام " سیب سوم " با کار های عکس و کلاژ بر پا شد. در عکس ها اکثرا کار ها عمودی و کشیده و با زاویه دید سطح چشم هستند و انگار مخاطب ها از چشم هنرمند عکس ها را نگاه می کنند . حرکت دوربین در عکس ها باعث می شود ما برداشتی از واقعیت هنرمند کنیم. یحی دهقانپور با استفاده از قابلیت عکاسی پاروناما گوشی هوشمند پدیده ای که به چشم ما ساده دیده می شود به تصویر کشیده اما خیلی بیشتر از آن چه دیده می شود برای مخاطب برداشت می شود . او با استفاده از مکان های شناخته شده و نمادین برای مخاطب و با شکست و اعوجاجی که در عکس ها ایجاد شده می تواند نشان دهنده ای تخریب مدرنیسم و تمدن باشد که با طنز تلخی و نگاه بدبین او همراه است همینطور می توانیم به ایده پست مدرن برسیم که تمدن رو به تخریب است.

همینطور تصویر هایی از شخصیت سیاسی های مطرح روز با نقد شدیدی همراه است که همین هم می تواند با ایده پسا مدرنیسم برداشت شود که نشان هایی برای جامعه مدرن متزلزل و تخریب شده اند. در اتمام در این نمایشگاه زمان بعد وعصر مهمی برای دهقانپور نبوده و مانند تمام کار های حرفه او با طنز تلخی و نگاه نقادانه جدی همراه است . با حرکات دوربین حین عکاسی و اعوجاج دار شدن عکس ها دهقانپور از عکاسی فقط به عنوان

وسیله ای برای گرفتن و مستند کردن لحظه ای استفاده نکرده بلکه او با انجام دادن این کار عین حال مستند کردن دست به خلق کردن هم داده است که ما عنوان مخاطب همان لحظه خلق او و واقعیت شخصی او را می بینیم.

جمال غیاث بیگی

یحیی دهقانپور دانش آموخته رشته ادبیات از دانشگاه تهران میباشد. او پس از اتمام رشته ادبیات دانشگاه تهران برای تحصیل در رشته زبانشناسی به انگلستان رفت اما در آنجا سر از یک تکنیکال کالج در آورد و علاقه اصلی زندگی خود، عکاسی را پی گرفت. بعد از آن او به امریکا رفت و در انستیتوی هنر سانفرانسیسکو آموزه هایش را پی گرفت و با عکاسان مشهور آن زمان، همانند سیدنی شرمین هم دوره شد.

او پس از انقلاب به ایران بازگشت. عکس های محله قدیم شاهپور و عودلاجان را می توان از مجموعه کارهای مستند آن زمان او برشمرد.

گرایش اصلی دهقانپور در عکاسی، مستند اجتماعی است. وی وقایع قبل از انقلاب، انقلاب و بعد از انقلاب را به تصویر کشیده است و عکس های زیادی در این زمینه دارد.

دهقانپور از جمله معلمان عکاسی است که کمتر نمایشگاه عکس برگزار کرده است. با این حال نمایشگاه عکس " آن روز فروغ را در باغچه کاشتند" معروف ترین نمایشگاه های عکس دهقانپور است که مراسم تدفین شاعر ایرانی، فروغ فرخزاد را به تصویر می کشد. در این نمایشگاه عکس های مراسم خاکسپاری فروغ فرخزاد بعد از ۴۲ سال برای اولین بار در گالری راه ابریشم به نمایش درآمد.

درنمایشگاه سیب سوم این حقیقت که ابزار برای یحیی دهقانپور چیزی جز وسیله ای برا نشان دادن خلاقیت او میباشد بارز است. او تجربه وسیعی از ابزار های مختلف عکاسی دارد و چیزی فراتر از ابزار های عکاسی اش می سازد . در این نمایشگاه او از دگمه پانوراما گوشی خود و تنها با حرکت دست عکس های خود را گرفته . عکس های او دچار یک اعوجاج و بهم ریختگی خاصی شدند، که در نگاه اول ساده بنظر میرسند اما بیشتر که در آن مینگریم مفاهیم عمیق تری از آن خارج می شود .

او از مناظر امریکا و ایران استفاده کرده و آشفتگی عکس هایش گویی طنزی تلخ به همراه دارد. مانند آن عکس از ریس جمهور کنونی امریکا ترامپ ، نقد نهفته در عکس ها بسیار تفکر برانگیز می باشد.

برخی از عکس های او در اندازه های بزرگ و به صورت عمودی به نمایش داده شده بودند.

او دید جدیدی را در عکس های خود نشان میدهد و در عکس هایش زمان گویی از بین می رود و برداشت متفاوتی از واقعیت را به نمایش میگذارد.

در اخر به این اشاره کنم که من دوبار به این نمایشگاه رفتم در اول به علت آشنایی کم من با هنرمند برخی از عکس ها ساده و سطحی بنظر میرسیدند اما پس از مطالعه درمورد ایشان دید وسیع تری به کارها پیدا کردم.

علیرضا میرزائی

نمایشگاه استاد یحیی دهقانپور که با عنوان «سیب سوم» در گالری آران برگزار شد شامل تصاویری منحصر به فرد در تکنیک و نگرش بود.

تصاویر با قابلیت عکاسی پانورامای تلفن همراه گرفته شده است و تصاویر چاپ شده با کادربندی عمودی، سایز و اندازه مشخص و معینی نداشتند .

عکس ها از نظر مفهومی یک ناپایداری در دنیای اطرافمان را به نمایش می گذارند . گویی دنیای رو به دوربین از دید عکاس در حال متلاشی و ذوب شدن است و عکاس این طرز نگرش و دید منحصر به فرد خود را با تکان دادن دست در حالت پانوراما ثبت و ماندگار کرده است.

تصاویر از لحاظ ترکیب پندی ناپایدارند ، این ناپایداری و ترکیب بندی نامتوازن مفهوم مدنظر عکاس را بهتر و واضح تر به مخاطب منتقل می کند .

سری عکس های سیاسی دارای نوعی طنز هستند ، طنزی که شاید اشاره به مفهوم آزادی و دموکراسی در عصر جدید دارد. تصاویر ثبت شده از ترامپ ، رئیس دولت فعلی ایالات متحده ، با فیگور ها و ژست های مضحکانه که بر روی صفحه نمایش کامپیوتر قرار دارند نیز اشاره به همین طنز و دنیای رو به سقوط فعلی دارد.

عکس هایی که از ساختمان ها و اماکن مشهور دنیا گرفته شده است همین مفهوم مطرح شده را در قالبی دیگر به تصویر می کشند . ساختمان ها و معماری های مدرن که در عین استحکام و نظم ، متزلزل و آشفته به تصویر کشیده شده است .

درکل، همه تصاویر گالری دارای وحدت مفهومی و معنایی بوده و لحظه قطعی در آثار ایشان جایی ندارد.

زهر امان زاده

گیرایی فضای بیرون در ابتدا نمیگذاشت توجه به چیز دیگری معطوف باشد.

شکستگی ساختمان های بزرگ در عکس ها باعث ایجاد حس توهم و عدم اطمینان میشد.

تنش خودخواسته ای که در بعضی عکس ها مشاهده میشد و تمرکزی که فقط روی ناهمگون بودن ساختمان ها بود در سری خاصی از عکس ها توجه را جلب میکرد.

این تصور به ذهن متبادر میشد که در جهانی هستیم که ساختمان ها از سقف آسمان همچون قندیل های غول پیکری آویزانند.

تکرار و تکرار و تکرار...

عکس ها میتوانند کمتر از این هم باشند!

از نظر زمانی این عکس ها میخواستند لحظه ای قبل و لحظه ای بعد از زمان حال را بهم پیوند دهند.

گاها باعث میشدند که توانایی دیدار مخاطب در درک آنچه که واقعیت موجود نامیده می شود زیر سوال رود.

برج آزادی همچون کلاف درهم پیچیده ای می نمود که از فضای کوچکی از سطح زمین آغاز و چون پلکانی بلندای سقف آسمان را درنور دیده بود

بعضی از عکس ها از فرط شکستگی قابل تمیز و از حاشیه ی سیاه عکس نبودند.

تصاویری بریده شده و مخدوش از ترامپ! برای من چندان جالب توجه نبود چرا که علاقه ای به سیاست محلول در هنر ندارم.